

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرین معروفی
۰۷ اگست ۲۰۲۰



۱۱

به ادامه گذشته:

رُزا در نوامبر ۱۹۱۸ به دنبال عفو عمومی برای زندانیان سیاسی از زندان آزاد شد و بلافاصله به فعالیتهای انقلابی پرداخت. در دسامبر همان سال حزب کمونیست آلمان تشکیل شد که رُزا یکی از مؤسسان آن بود. در سال ۱۹۱۸ در شرایط انقلابی، اتحادیه و جانشینش حزب کمونیست در ائتلافی نه چندان استوار با دیگر انقلابیون، یک کمیته انقلابی تشکیل دادند. اما به دلیل کمبودهای ساختاری و سازمانی در رهبری طبقه کارگر به منظور سرنگونی سرمایه داری بسیار ضعیف بودند و نتوانستند مانند بلشویک ها به رهبری نین در اکتبر ۱۹۱۷ به پیروزی دست یابند.

رُزا لوکزامبورگ: «اصلاح یا انقلاب»

در ۱۹۰۷ رُزا در کنگره بین الملل سوسیالیستی که در اشتوتگارت برگزار شد، شرکت کرد و به نمایندگی از احزاب روسی و لهستانی سخن گفت و

نگرشی منسجم و انقلابی در باب جنگ و میلیتاریسم ارائه داد.

میان سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ شکاف بین رُزا لوکزامبورگ و رهبری سانتریستی اس. پی. دی، که کائوتسکی سخنگوی نظری آن بود، عمیقتر شد. تازه در همان سال، رُزا ترس خود را از این که رهبران حزب به رغم پایبندی به مارکسیسم، در بزنگاه موقعیتهای خطیر پس بنشینند، ابراز کرده بود.

در سال ۱۹۱۰ با گسست کاملی که میان رُزا و کارل کائوتسکی بر سر مسأله چگونگی کسب قدرت به دست کارگران پیش آمد، بحران به نقطه اوج رسید. از آن پس، اس. پی. دی، به سه گرایش جداگانه تقسیم شد: رفرمیست ها که پیوسته سیاستی امپریالیستی اتخاذ کردند؛ به اصطلاح سانتی مارکسیستی به رهبر کائوتسکی که در آن زمان لوکزامبورگ او را به مسخره «رهبر باتلاق» لقب داده بود و گرچه در سخن به رادیکالیسم پایبند بود. اما، هرچه بیشتر خود را به روشهای مبارزاتی پارلمانی محدود می کرد؛ و گرایش سوم، جناح انقلابی، که الهام بخش اصلی آن رُزا لوکزامبورگ به شمار می آمد.

در ۱۹۱۳ رُزا لوکزامبورگ مهمترین اثر نظری خود، یعنی انباشت سرمایه، ادای سهمی در توضیح اقتصادی امپریالیسم، را منتشر کرد. بی شک پس از نگارش کاپیتال این اثر یکی از پیش درآمدهای بسیار اصیل و دست اول آموزه اقتصاد مارکسیستی است. فرانتز مرینگ، زندگینامه نویس مارکس، این کتاب را به سبب غنای دانش، درخشش سبک، قطعیت تحلیل و استقلال فکری نزدیکترین اثر مارکسیستی به کاپیتال دانسته است. مسأله اصلی مورد مطالعه در این کتاب دارای اهمیت نظری و سیاسی بسیار عظیمی است، و آن مسأله این است که گسترش سرمایه داری در مناطق جدید و عقب مانده چه تأثیراتی در تضادهای درونی سرمایه داری، چند پاره ساختن و ثبات آن دارد.

در ۲۰ فوریه ۱۹۱۴، رُزا لوکزامبورگ به اتهام تحریک سربازان به شورش دستگیر شد. دلیل این اتهام یکی از سخنرانیهای او بود که در آن می گفت: «اگر آنها انتظار دارند که ما برادران فرانسوی یا خارجی خود را به قتل برسانیم، بیاید به آنها بگوییم که نه، تحت هیچ شرایطی». در دادگاه او به جای دفاع، به محاکمه برخاست. سخنرانی او که بعدها با عنوان میلیتاریسم، جنگ و طبقه کارگر انتشار یافت یکی از مهیج ترین اسناد سوسیالیسم در محکومیت امپریالیسم به شمار می آید. رُزا به یک سال زندان محکوم شد، اما یک راست آزاد شد. پس از ترک دادگاه بی درنگ به یک گردهمایی توده یی رفت و در آن جا نیز تبلیغات انقلابی ضد جنگ خود را از سر گرفت.

به هنگام بروز جنگ جهانی اول، همه رهبران حزب سوسیالیست عملاً بر موج میهن پرستی سوار بودند. در سوم اوت ۱۹۱۴، گروه پارلمانی سوسیال دموکراسی آلمان تصمیم گرفت به نفع اعتبارات جنگی به حکومت قیصر رأی مثبت بدهد. از صد و یازده نماینده تنها پانزده تن به رأی مخالف تمایل نشان دادند. هرچند آنان نیز پس از آن که در خواستشان برای کسب اجازه برای دادن رأی مخالف رد شد، به قوانین حزب گردن نهادند و در روز چهارم اوت تمام اعضای گروه سوسیال دموکراسی به نفع تصویب اعتبارات جنگی رأی دادند. چند ماه بعد در دوم دسامبر کارل لیبنخت با قوانین حزب به مخالفت برخاست و نپذیرفت که حزب به جای وجدان او رأی بدهد. رأی او تنها رأی منفی علیه اعتبارات جنگی بود.

تصمیم رهبری حزب ضربه ناگواری بر رُزا لوکزامبورگ وارد کرد. هر چند که رُزا به ناامیدی تن نداد. همان روز یعنی چهارم اوت، روزی که نمایندگان سوسیال دموکراسی زیر پرچم قیصر جمع شدند، گروه کوچکی از سوسیالیست ها در آپارتمان او گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند مبارزه با جنگ

را سازمان دهند. این گروه به رهبری رُزا لوکزامبورگ، کارل لیبنخت، فرانترز مرینگ و کلارا زتکین سرانجام جمعیت اسپارتاکوس را برپا کردند. رُزا به مدت چهار سال و عمدتاً از زندان، به رهبری، برانگیختن و سازماندهی انقلابیان ادامه داد و پرچم سوسیالیسم بین المللی را افراشته نگاه داشت.

وقوع جنگ رُزا لوکزامبورگ را از جنبش کارگری لهستان جدا کرد، اما از این که حزب لهستان کاملاً به عقاید و آرای سوسیالیسم بین المللی وفادار ماند، بی شک رضایت خاطر عمیقی به او دست داده بود.

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه تحقق سیاست مخالفت انقلابی او با جنگ و مبارزه برای سرنگونی حکومت‌های امپریالیستی بود. رُزا وقایع را، با تب و تاب، از زندان دنبال می کرد و به منظور درس آموزی برای آینده، به دقت، به بررسی این رویدادها می پرداخت و بی آن که تردید به خود راه دهد، می گفت پیروزی فوریه پایان مبارزه نیست، بلکه تنها آغاز آن است و تنها قدرت کارگران برقراری صلح را تضمین می کند. رُزا بارها و بارها، کارگران و سربازان آلمانی را از زندان مورد خطاب قرار داد و از آنان خواست که مانند برادران روسی خود دست به کار شوند و یونکرها و سرمایه داران را سرنگون کنند و در نتیجه همزمان با یاری رساندن به انقلاب روسیه خود را نیز از زیر آوار خونریز بربریت سرمایه داری بیرون بکشند.

زمانی که انقلاب اکتبر رخ داد، رُزا لوکزامبورگ با شور و علاقه آن را خوشامد گفت و بیشترین ستایشها را نثار آن کرد. در عین حال اعتقاد نداشت که پذیرش غیرانتقادی هرچه بلشویکها انجام می دهند، به جنبش کارگری کمک می رساند. به روشنی پیش بینی می کرد که اگر انقلاب روسیه در انزوا می ماند، پاره یی انحرافها آن را از رشد و گسترش باز می داشت و درست از همان اوایل دوران گسترش روسیه شوروی به این انحراف ها، به ویژه به

مسأله دموکراسی اشاره کرد. در هشتم نوامبر ۱۹۱۸ انقلاب آلمان موجب رهایی رُزا لوکزامبورگ از زندان شد. رُزا با تمام توش و توان به انقلاب پیوست. متأسفانه، نیروهای ارتجاع قوی بودند. رهبران جناح راست سوسیال دموکراسی و ژنرالهای ارتش قدیم قیصر نیروهای خود را به هم پیوستند تا طبقه کارگر انقلابی را سرکوب کنند.

هزاران کارگر به قتل رسیدند، در روز پانزدهم ژانویه ۱۹۱۹، کارل لیبکنشت کشته شد، در همان روز ته قنّاق تفنگ سربازی جمعه رُزا لوکزامبورگ را متلاشی کرد. با مرگ او جنبش بین المللی کارگران یکی از شریفترین اعضای خود را از دست داد. همانگونه که مرینگ گفت: «برترین مغز متفکر در میان جانشینان علمی مارکس و انگلس» دیگر حضور نداشت. مرگ او نیز مانند زندگی اش وقف رهایی بشریت شد. رُزا قبل از مرگ می نویسد: «انقلاب باز خواهد گشت و اعلام می کند من وجود داشتم، وجود دارم و وجود خواهم داشت».

